نگاه فریقین به ماهیت اقاله

مریم قاسمیان[1]

چکیده

اقاله یک عمل حقوقی است که با توافق و رضایت طرفین معامله صورت می‌پذیرد و موجب انحلال عقد می‌شود. مشروعیت و استحباب اقاله را می‌توان از اجماع فقهای شیعه و اهل سنت با استناد به روایات استدلال نمود. هدفی که در این مقاله دنبال می‌شود، اختلاف ماهیت اقاله از نظر فقهای شیعه و اهل سنت است. فقهای شیعه، شافعی و ابن‌حنبل اقاله را فسخ می‌دانند. مالک از فقهای اهل سنت اقاله را بیع مستقل می‌داند، درحالی‌که ابوحنیفه معتقد است اقاله در حق متعاقدین فسخ است؛ ولی در حق غیر این دو ـ مانند شفیع ـ بیع مستقل خواهد بود. ازاین‌رو جهت اهمیت و ضرورت بحث می‌خواهیم بدانیم اقاله دارای چه ماهیتی است و چه احکامی بر اقاله مترتب خواهد شد. این مقاله در پی آن است فسخ یا بیع مستقل بودن اقاله را بررسی کند. مقاله حاضر با استناد بر منابع معتبر کتب فقهی، اعم از شیعه و سنی مورد تحلیل قرارگرفته، در ماهیت اقاله بین فقهای شیعه و اهل سنت اختلاف است که در نتیجه سه قول در ماهیت اقاله در بین ایشان مطرح است که عبارتند از فسخ بودن اقاله، بیع بودن اقاله و فسخ بودن برای متبایعین و بیع بودن برای غیر این دو.

کلیدواژه‌ها: عقد بیع، اقاله، ماهیت، شرایط اقاله، فسخ بیع.

---

۱. کارشناسی ارشد سطح دوم مدرسه علمیه شهرستان نکا m.ghasemnia95@gmail.com.

مقدمه

آن‌گاه که خدا انسان را آفرید و انسان پا به عرصه حیات گذاشت، دارای عرصه‌های مختلفی از جمله حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... گردید. عرصه اجتماعی آن همانند سایر عرصه‌ها دارای ابعاد گوناگونی است. عقود و قراردادها یکی از مسائلی است که بین انسان‌ها پدید آمد.

هنگامی که دو طرف برای برآوردن نیازها و تأمین منافع خود با یکدیگر عقدی را منعقد می‌سازند، این عقد و پیمان از آثار شرعی برخوردار می‌شود و برابر با قاعده و اصل اوّلی در عقود پابرجا و وفای به آن ضروری خواهد شد، زیرا هرکدام از دو طرف عقد به هنگام بستن عقد منظور و هدفی را دنبال می‌کردند که برای برآورده شدن آن به انعقاد عقد روی آورده‌اند. حال اگر هرکدام پس از انعقاد عقد دریابند که به هدف مورد نظر خود دست نمی‌یابند یا به هر دلیلی از انعقاد قرارداد پشیمان شوند، می‌توانند با توافق یکدیگر عقد را برهم بزنند؛ به این عمل حقوقی اقاله می‌گویند.

اقاله از ریشه «قیل» است و معنای اصلی آن رفع ابتلا و از بین بردن تنگی و سختی است و از مصادیق آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: استراحت نیمروزی و غیر آن تا این‌که حالت خستگی و ضعف از بین برود، نوشیدن آب برای از بین بردن حرارت بدن، فسخ کردن عقد تا ضرری که به واسطه عقد حاصل شده از بین برود و گذشتن از گناه و خطا در صورت واقع شدن آن. در تمامی این موارد از ریشه قیل استفاده می‌شود مانند قیلوله و... (احمد بن فارس، بی‌تا: ج۵، ۴۴؛ جوهری، ۱۴۱۰: ج۳، ۱۸۰۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج۵، ۲۱۵؛ زبیدی، بی‌تا: ج۸، ۹۳). اقاله در اصطلاح عبارت است از توافق بایع و مشتری بر نقض و فسخ بیع، به گونه‌ای که هریک از ثمن و مثمن به ملک مالک خودش برگردد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱، ۵۸۰).

در بررسی پیشینه‌شناسی ماهیت اقاله مباحث اقاله در قدیمی‌ترین کتب فقهی،

اعم از شیعه و سنی، مطرح شده است. ولیکن رساله معتبر مستقلی که ویژه این بحث فقهی نوشته شده باشد یافت نشده است؛ غیر از مقاله‌ای که جناب آقای محمد سجاد فاضل تألیف کرده است. در این مقاله تلاش شده اقوال مختلف مطرح شده در ماهیت اقاله، کانون بحث و بررسی قرار گیرد.

این مقاله به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای که پس از تعریف، اثبات مشروعیت و شروط اقاله، اقوال در ماهیت اقاله را مطرح کرده و دلیل هرکدام از اقوال را توضیح داده است. سپس ثمرات قول به فسخ یا بیع مستقل بودن اقاله را مطرح می‌کند.

۱. ادله مشروعیت و رجحان اقاله

اقاله در بیع مستحب است و دلیل آن روایاتی است که از معصومین علیهم‌السلام وارد شده است. اولین دلیل استحباب اقاله روایت است که ابوهریره از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند. نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «هرکسی که درخواست اقاله برادر مسلمانش را بپذیرد خداوند در روز قیامت از لغزش‌های او می‌گذرد» (قزوینی، بی‌تا: ج۲، ۷۴۱) این روایت نیز به طور صریح نتیجه پذیرش اقاله را گذشتن خداوند از لغزش‌های شخص در روز قیامت می‌داند و این‌گونه به استحباب این عمل شرعی اشاره می‌کند. علاوه بر اهل سنت، فقهای شیعه نیز بر این روایت استدلال می‌کنند و دلیل آن، تأیید متن روایت با روایت بعدی است. دومین دلیل برای استحباب اقاله روایت ابی‌حمزه از امام صادق علیه‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هر بنده‌ای که اقاله برادر مسلمانش را در بیع بپذیرد خداوند از لغزش‌های او در روز قیامت می‌گذرد» (کلینی، ۱۳۶۷ش: ج۵، ۱۵۳) این روایت با تبیین اثر اقاله که گذشتن خداوند از گناهان شخص در روز قیامت است، استحباب آن را بیان می‌دارد.

دلیل دیگر، اجماع فقهای شیعه و اهل سنت بر مشروعیت و استحباب اقاله

است. عاملی در *مفتاح الکرامة* می‌گوید: «بعد از اخبار مستفیضه، اجماع معلوم و منقول دلالت بر استحباب اقاله دارد» (عاملی، ج۱۴، ۸۳۲). امامیه اجماع دارند که اگر فردی دو برده بخرد و یکی از آن دو بمیرد سپس معامله اقاله شود، صحیح است؛ اما اگر اقاله را بیع بدانیم این بیع صحیح نیست، زیرا بیع مرده به زنده صحیح نخواهد بود (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج۴، ۷۶۷؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج۳، ۲۰۶، ۲۰۷). ذکر همین سه دلیل برای اثبات مشروعیت و استحباب اقاله کافی است.

۲. شروط اقاله

شارع مقدس اسلام برای تمامی معاملاتی که امضا کرده یک سری شروط قرار داده است. خداوند متعال این شروط را با اشراف به مصلحت نوعی و شخصی بندگان اعتبار داده است. صحت اقاله، مشروط به مواردی است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱. اولین شرط اقاله رضایت طرفین به‌انجام اقاله است. رضایت طرفین امری است که شارع مقدس اسلام در تمامی معاملات معتبر دانسته و بدون آن عقد را باطل می‌داند.

۲. دومین شرط اقاله این است که درخواست اقاله و پذیرش آن در یک مجلس باشد. فقها در مبحث صیغه عقد سلف گفته‌اند که فاصله بین ایجاب و قبول موجب بطلان اقاله می‌شود (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۱/۱/۱۶۶؛ شاهرودی، ۱۴۱۷: ج۱، ۲۶۹). همین امر می‌تواند دلیل باشد برای اشتراط در یک مجلس بودن درخواست اقاله و پذیرش آن.

۳. شرط دیگر اقاله این است که عقدی را که می‌خواهند اقاله کنند قابلیت فسخ داشته باشد؛ مانند عقد بیع و اجاره؛ بنابراین در عقودی که قابلیت فسخ وجود ندارد مانند ازدواج و طلاق، اقاله صحیح نیست. در این عقود فسخ عقد با شرایطی خاص صورت می‌گیرد. همچنین در عقود غیرلازمه نیز اقاله جریان نمی‌یابد، زیرا در عقود

جایزی طرفین هروقت که خواستند می‌توانند عقد را برهم بزنند و دیگر جایی برای موضوع اقاله باقی نمی‌ماند، مگر تحصیل ثواب که در بحث مشروعیت اقاله در زمان خیار آن را به‌طور کامل توضیح خواهیم داد.

۴. آخرین شرط اقاله این است که اگر وصی عقدی انجام داده باشد و بخواهد آن را اقاله کند، لازم است که مبیع را به بیشتر از قیمت ثمن المثل نفروخته باشد که اگر وصی به بیشتر از ثمن المثل معامله کرده باشد، اقاله صحیح نخواهد بود (ابن‌نجیم، ۱۴۱۸ق: ج۶، ۱۶۸).

۳. نزاع در ماهیت اقاله

عقد بیع یکی از پرشاخه‌ترین و پرفرع‌ترین مسئله فقهی است و در صورت انعقاد عقد بیع احکام فراوانی بر بایع، مشتری، مبیع، ثمن و غیر آن مترتب می‌شود. یکی از شاخه‌های فقهی باب بیع، بحث فسخ آن است که باعث رفع تمامی آثار عقد بیع می‌شود. شاخه دیگر عقد بیع، بحث اقاله است. اما در ماهیت اقاله که بیع است یا فسخ بیع گذشته، در میان فقهای شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. با بررسی کتب فقهی به دست می‌آید که در این مسئله سه قول وجود دارد.

فقهای شیعه، شافعی و ابن‌حنبل معتقدند که اقاله فسخ است چه نسبت به متعاملین و چه نسبت به اشخاص ثالث (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج۳، ۲۰۵؛ شافعی، ۱۴۰۳: ج۳، ۷۷؛ ابن‌قدامه، بی‌تا: ج۴، ۱۳۶) و برای مدعای خود پنج دلیل اقامه می‌کنند.

۱. اولین دلیل برای فسخ بودن اقاله معنای لغوی واژه «اقاله» است. در تعریف اقاله گفتیم این لفظ از ریشه قیل به معنای زائل شدن و رفع است. پس اقاله به معنای رفع اثر بیع خواهد بود و این دلالت بر فسخ معامله دارد نه عقد جدید.

۲. دلیل دیگر شیعیان برای فسخ بودن اقاله این است که اگر اقاله بیع باشد، لازمه‌اش امکان کم یا زیاد کردن است.

ثمن درهنگام اقاله است، درصورتی که بنابرنظرفقهای امامیه متبایعین نمی‌توانند کم یا زیادکردن ثمن را شرط پذیرش اقاله قراردهند.

۳. جوازاقاله درمسلم فیه دلیل دیگرفسخ بودن اقاله است، یکی ازاحکام اجماعی عقد سلم عدم جوازفروش مسلم فیه قبل ازسررسید است. با توجه به این حکم، اگراقاله بیع جدید باشد، متبایعین نمی‌توانند قبل ازسررسید عقد سلف را اقاله کنند.

۴. آخرین دلیل شیعیان برای ماهیت اقاله این است که فقها اجماع دارند بر این‌که اگرشخصی دوبرده بخرد ویکی ازآن دوبمیرد سپس معامله اقاله شود، صحیح است؛ اما اگراقاله را بیع بدانیم، این بیع صحیح نیست، زیرا بیع مرده به زنده صحیح نیست (حسینی عاملی، بی‌تا: ۴، ۷۶۷).

فقهای شیعه به همراه شافعی واحمد بن حنبل به استناد این چهاردلیل معتقدند که اقاله فسخ خواهد بود ودرنتیجه احکام بیع جدید برآن مترتب نمی‌شود ولازم است که احکام فسخ بیع برآن مترتب شود.

دردومین قول درماهیت اقاله، مالک ازفقهای اهل سنت می‌گوید اقاله بیع مستقل است (مالک، ۱۳۲۳ق: ۴، ۶۹)، زیرا تعریف بیع که عبارت است ازمبادله مال دربرابرمال دیگربرآن صدق می‌کند (کاشانی، ۱۴۰۹ق: ۵، ۳۰۶).

درآخرین قول درماهیت اقاله، ابوحنیفه معتقد است اقاله درحق متعاقدین فسخ است، ولی درحق غیراین دو ـ مانند شفیع ـ بیع مستقل خواهد بود؛ به این معنا که متعاقدین اگرعقد را اقاله کنند، احکام فسخ برآن دونفربارخواهد شد. ولی اقاله برای شفیع حکم بیع مجدد دارد؛ یعنی پس ازاقاله، شفیع می‌تواند سهم فروشنده (شریک اول) را ازاوخریداری کند. دلیل اوبرای قول خود ترکیبی ازادله اقوال گذشته است؛ یعنی اقاله درحق متعاقدین فسخ است، زیرا معنی اصلی واژه «اقاله» رفع است و

درحق غیرمتعاقدین بیع می‌باشد، به این دلیل که تعریف بیع برآن صدق می‌کند (رافعی، بی‌تا: ۸، ۳۸۵).

ابن‌قدامه در *المغنی* درجواب قول ابی‌حنیفه می‌گوید حقیقت فسخ به نسبت به افراد متفاوت نمی‌شود وآنچه معتبراست حقیقت اشیا است (ابن‌قدامه، بی‌تا: ۴، ۱۳۶).

۴. ثمره نزاع درماهیت اقاله

گفتیم که درماهیت اقاله سه قول است واختلاف فقها بیشتربرروی فسخ بودن یا بیع مستقل بودن آن است. این اختلاف دارای ثمراتی است؛ به این معناکه اگراقاله فسخ باشد احکام خاصی برآن مترتب است واگربیع مستقل باشد، دارای احکام خاص دیگری خواهد بود.

۵. ثمرات فسخ بودن اقاله

۱. لزوم بازگرداندن ثمن اولیه به بایع اولین اثرفسخ بودن اقاله است.

درکتب فقهی شیعه حکم اجماعی وجود دارد که اگردراقاله بایع ثمن راکمتریا بیشترازثمن المسمی بپردازد، اقاله فاسد می‌شود. دلیل این مسئله روایت حلبی از امام صادق علیه‌السلام است. حلبی رحمه‌الله می‌گوید: «ازامام صادق علیه‌السلام پرسیدم درمورد مردی که لباسی را خرید وشرط خیارهم نکرد، پس ازآن خوشش نیامد وخواست به بایع برگرداند، بایع گفت به شرطی آن را می‌پذیرم که ازثمن مقداری راکم کنم. امام فرمود بایع نمی‌تواند ازثمن کم کند واگرندانسته ازثمن کاست، باید به مشتری برگرداند» (کلینی، ۱۳۶۷: ج۵، ۱۹۵). همچنین دراین مسئله اجماع مرکب حاصل شده است؛ یعنی هرفقیهی که اقاله را فسخ می‌داند قائل به بطلان اقاله درصورت کم یا زیادکردن ثمن است ودرمیان فقها پیدا نمی‌شود کسی که بین این دومسئله فرق بگذارد (طوسی، ج۳، ۲۰۵).

فقهای شیعه و شافعی شرط کم یا زیاد کردن ثمن در متن عقد را موجب بطلان اقاله می‌دانند، زیرا اقاله بنابر مبنای ایشان عبارت از فسخ بیع است و مقتضای فسخ در عقود این است که هر عوضی به صاحبش برگردد. پس اگر در ضمن اقاله، شرط زیادی یا نقصان ثمن کنند، شرط آنان بر خلاف مقتضای عقد است. علاوه بر این که بایع و مشتری، رضایت به فسخ، با شرط کم یا زیاد کردن ثمن دارند و با غیر آن، رضایتی که در عقد معتبر است حاصل نخواهد شد. در نتیجه، اقاله باطل می‌گردد، زیرا بایع و مشتری رضایت بر این نوع فسخ دارند که این نیز حاصل نشده است. اما ابوحنیفه این اقاله را صحیح می‌داند و معتقد است تنها شرط باطل است (تحفة الفقهاء، ج۲، ۱۱۱). در میان فقهای شیعه علامه در *المختلف* اقاله با ثمن کمتر یا بیشتر را از ابن‌جنید نقل می‌کند و آن را نیکو می‌داند (المختلف، ج۲، ۴۷۶).

فقهای شیعه و شافعی یک تبصره بر عدم جواز شرط مذکور وارد کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: در هنگام اقاله کردن بایع می‌تواند غیر ثمن المسمی که مثل آن است را بپردازد؛ مانند این که ثمن المسمی یک دینار باشد، ولی در اقاله ده درهم بپردازد (طوسی، ج۳، ۲۰۵؛ الأم، ج۳، ۱۳۲). ولی ابوحنیفه آن را جایز نمی‌داند و می‌گوید بایع نمی‌تواند چیزی بدل از ثمن به مشتری برگرداند (ابی بکر، ۱۴۰۹هق: ج۵، ۲۱۴).

۲. دومین اثر فسخ بودن اقاله این است که قراردادن شرط فاسد در اقاله باعث بطلان اقاله نمی‌شود، هرچند معلق کردن اقاله به شرط صحیح نیست (ابن‌نجیم، ۱۴۱۸: ج۶، ۱۷۰).

۳. اثر دیگر فسخ بودن اقاله این است که اگر مشتری پس از اقاله و قبل از برگرداندن مبیع، آن را به بایع بفروشد، این بیع دوم صحیح خواهد بود (همان).

۴. آخرین ثمره فسخ بودن اقاله، عدم احتیاج به کیل و وزن مبیع است؛ یعنی اگر مبیع مکیل و موزون باشد و بایع آن را با کیل و وزن بفروشد، ولی مشتری هنگام اقاله،

بدون کیل و وزن آن را برگرداند، اقاله صحیح خواهد بود، زیرا بایع می‌تواند مبیع را با استناد به اصل بقاء مبیع بروزن یا کیل خود در زمان عقد، آن را پس بگیرد.

این چهار ثمره فسخ بودن اقاله است. اما اگر اقاله بیع جدید باشد اثرات و ثمرات دیگری بر آن بار می‌شود.

۶. ثمرات بیع بودن اقاله

۱. اولین ثمره بیع بودن اقاله عبارت است از این که اگر مبیع زمین باشد و شفیع از حق شفعه خود استفاده کند و بعد از آن شریک و مشتری، بیع را اقاله کنند، در این صورت شفیع باز هم حق شفعه دارد و می‌تواند نسبت به شریک خود حق شفعه جاری کند، زیرا اقاله یک بیع جدید است و شرایط شفعه در مورد آن صادق است.

۲. ثمره دیگر بیع بودن اقاله این است که اگر مشتری مبیع را به شخص دیگری فروخت و سپس بیع دوم را اقاله کرد و بعد از اقاله متوجه شد که مبیع معیب است برای ارش یا فسخ باید به مشتری دوم مراجعه کند، نه بایع (ابن‌نجیم، ۱۴۱۸ق: ۶، ۱۷۰).

۳. سومین اثر این است که اگر مشتری مبیع را هبه کند سپس بایع و مشتری عقد را اقاله کنند، مشتری حق رجوع به هبه را نخواهد داشت، زیرا فرض این است که اقاله بیع جدید است و بیع یک‌گونه تصرف در عین موهوبه است و در *کتاب الهبه* ثابت شده است که در صورتی که عین موهوبه تصرف شود، واهب حق رجوع خود را از دست می‌دهد.

۴. برای آخرین اثر بیع بودن اقاله باید گفت اگر متعاقدین عقد صرف را اقاله کنند تقابض ثمن و مثمن در مجلس شرط است، زیرا اقاله بیع جدید است و یکی از شرایطی بیع صرف، تقابض ثمن و مثمن در مجلس عقد است.

نتیجه‌گیری

اقاله به عنوان یک عمل حقوقی با تراضی متعاقدین صورت می‌گیرد و یکی از اسباب

انحلال عقود می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از توافق بایع و متشری بر نقض و فسخ بیع، به گونه‌ای که هریک از ثمن و مثمن به ملک مالک خودش برگردد. اقاله در فقه اسلامی مشروع دانسته شده و روایاتی بر رجحان و استحباب آن دلالت دارند. اقاله دارای شرایطی است که از جمله آن می‌توان به رضایت طرفین و فاصله نبودن بین درخواست و پذیرش اقاله و قابلیت داشتن عقد برای فسخ است.

در ماهیت اقاله بین فقهای شیعه و اهل سنت اختلاف است که در نتیجه سه قول در ماهیت اقاله در بین ایشان مطرح است که عبارتند از: فسخ بودن اقاله، بیع بودن اقاله و فسخ بودن برای متبابعین و بیع بودن برای غیر این دو.

منابع

۶۹. ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد (بی‌تا)، ***المغنی***، ۹ جلد، تحقیق: محمد سالم حیسن و شعبان محمد اسماعیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۷۰. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق)، ***لسان العرب***، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع ودار صادر.

۷۱. ابن‌نجیم، زین‌العابدین بن ابراهیم (۱۴۱۸هـ.ق)، ***البحر الرائق شرح کنز الدقائق***، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیّة.

۷۲. احمد بن فارس (بی‌تا)، ***معجم المقاییس فی اللغه***، تحقیق: شهاب الدین أبوعمرو، بیروت: دارالفکر.

۷۳. بیهقی، احمد بن حسین (بی‌تا)، ***السنن الکبری***، بیروت: دارالفکر.

۷۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰هق)، ***الصحاح ـ تاج اللغة و صحاح العربیة***، چاپ اول، تحقیق وتصحیح احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.

۷۵. حسینی عاملی، سید محمدجواد (بی‌تا)، ***مفتاح الکرامه***، مؤسسه آل بیت، [بی‌جا].

۷۶. الخرشی، محمد (۱۳۱۷هق)، ***شرح الخرشی علی المختصر الخلیل***، چاپ دوم، حاشیه علی العدوی، مصر: أمیریّة.

۷۷. رافعی، عبدالکریم (بی‌تا)، ***فتح العزیز***، بیروت، دارالفکر، ۱۲ جلد.

۷۸. زبیدی، محمد بن محمد (بی‌تا)، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، (۱۳ جلدی)، بیروت: دار مکتبة الحیاة.

۷۹. زین الدین بصری، محمد امین (۱۴۱۳هق)، ***کلمة التقوی***، چاپ سوم، قم: سید جواد وداعی، ۷ جلد.

۸۰. سبزواری، سید عبد الأعلی (۱۴۱۳هـ.ق)، ***مهذّب الأحکام***، (۳۰ جلدی)، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.

۸۱. شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۰۳هـ.ق)، ***الأم***، (۸ جلدی)، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

۸۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰هـق)، ***اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة***، تصحیح محمد تقی مروارید و علی اصغر مروارید، چاپ اول، بیروت: دارالتراث الدارالإسلامیة.
۸۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰هـق)، ***الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة***، حاشیه سید محمد کلانتر، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۸۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷هق)، ***الخلاف***، تصحیح شیخ علی خراسانی و دیگران، چاپ اول، قم: دفترانتشارات اسلامی.
۸۵. عاملی، جواد بن محمد (۱۴۱۹هـق)، ***مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلاّمة***، تحقیق و تصحیح شیخ محمد باقرخالصی، چاپ اول، قم: دفترانتشارات اسلامی.
۸۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳هق)، ***قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام***، تحقیق و تصحیح گروه پژوهش دفترانتشارات اسلامی، چاپ اول، قم: دفترانتشارات اسلامی.
۸۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰هق)، ***کتاب العین***، چاپ دوم، قم: نشرهجرت، ۸ جلد.
۸۸. قزوینی (ابن‌ماجه)، محمد بن یزید (بی‌تا)، ***سنن ابن‌ماجه***، تحقیق و ترقیم و تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.
۸۹. کاشانی، ابی بکر (۱۴۰۹هق)، ***بدائع الصنائع***، چاپ اول، پاکستان: المکتبة الحبیبیة.
۹۰. کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۰۹هق)، ***رسائل المحقق الکرکی***، چاپ اول، قم: کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی و دفترنشر اسلامی.
۹۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷هش)، ***الکافی***، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۹۲. کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی (۱۳۵۹هـق)، ***تحریر المجلة***، چاپ اول، نجف: المکتبة المرتضویة.
۹۳. مالک بن انس (۱۳۲۳هق)، ***المدونة الکبری***، بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
۹۴. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲هق)، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، چاپ اول، تهران: مرکز الکتاب للترجمة والنشر.
۹۵. هاشمی، سید محمود (۱۴۱۷هـق)، ***معجم فقه الجواهر***، تحقیق و تصحیح محققان مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ اول، بیروت: الغدیر.